



کارگران جهان متحد شوید!

شماره ۷۹ - بهمن ۱۳۸۶

خلاصه سخنرانی رفیق یدی شیشوانی در کنفرانس مشترک با حزب چپ آلمان درباره جنبش کارگری ایران

حاضر محترم رفقا و دوستان!

کنفرانس مشترک ما در شرایطی برگزار میشود که بیش از ۵۰۰۰ کارگر نیشکر هفت تپه در اعتصاب به سر میبرند. آنها ماه ها است که حقوق دریافت نکرده اند. کارفرما با توجیه اشباع بازارها بوسیله شکرهای وارداتی و فروش نرفتن شکر تولید داخلی از پرداخت حقوق کارگران خودداری میکند و به جای رسیدگی به درخواست های کارگران برنامه اخراجهای دسته جمعی آنها را در دستور گذاشته است.بیش از دو سال است که این کارگران از طریق مسالمت آمیز و با نوشتن نامه و جمع آوری امضا خواستار تحقق مطالباتشان شدند اما جواب مدیریت و دولت وعده و وعید های پوچ و سرکوب کارگران بوده است. از دوازده روز پیش کارگران تصمیم گرفتند دست به اعتصاب بزنند طی ۱۲ روز گذشته تجمع و تظاهرات کارگران چه در محیط کار و چه در خیابانها و جلوی ادارات شرکت و دفاتر مقامات دولتی ادامه یافت، آنها مصمم شدند تا برآورده شدن خواست هایشان از پای ننشینند. اما دولت که خود بمثابه مافیائی عظیم بر تاروپود اقتصاد کشور چنگ انداخته و حتی بخش خصوصی را هم در سیطره قدرت و نفوذ خود دارد. نیروهای سرکوبگر نظامی و امنیتی را به سراغ کارگران فرستاد. به صفوف آنها حمله کرد و عده ای از رهبران آنها را دستگیر نمود اما نتوانست اراده کارگران را برادامه مبارزه بشکند. اکنون مقاومت کارفرما و دولت و ضعیفی را پیش آورده است که در صورت شکست مبارزات کارگران آینده بسیار تیره و تاری در انتظار آنها و خانواده هایشان خواهد بود.

این را بعنوان نمونه و برایتان ذکر کردم نظیر این اعتصابات و اعتراضات در سراسر ایران جریان دارد.

ادامه در صفحه ۲

گرامی باد سی و هفتمین سالگرد حماسه سیاهکل و بیست و نهمین سالگرد قیام ۲۲ بهمن

۱۹ و ۲۲ بهمن در تاریخ مبارزه برای آزادی، برابر و سوسیالیسم در ایران جایگاه رفیع و شایسته ای را بخود اختصاص داده اند.

در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ درست در شرایطی که جغد شوم استبداد و دیکتاتوری بعد از کودتای ۲۸ مرداد بر فراز جامعه جولان میداد و «شاه شاهان» ادعای قدر قدرتی خود را با سرکوب هرگونه صدای آزادیخواهی برخ میکشید و ثبات و امنیت ناشی از زور سرنیزه را در شیپورها میدمید و با تبختر کودکانه ای جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را تدارک میدید. گروهی از جوانان کمونیست با ارزیابی از شرایط جامعه اسلحه بدست گرفتند، تا نشان دهند که ادعای قدر قدرتی دیکتاتور ها هر چند که بزرگترین قدرتهای امپریالیستی پشتیبان شان باشند و برغم برخورداری از نیروی نظامی و انتظامی تا دندان مسلح و دستگاه مخوف امنیتی زیر فرمان، اما در برابر بیداری توده های کارگر و زحمتکش و در برابر عمل انقلابی پیشروان آنها بیر کاغذی پیش نیستند.

و چنین بود که با حماسه سیاهکل و آغاز مبارزه مسلحانه امید به شکستن قدر قدرتی کاذب طبقه حاکم در دل توده های مردم شعله ور شد. بدین ترتیب کاخ ظلم و ستم و استبداد دارودسته ای که مدعی بودند سومین قدرت نظامی جهان هستند و با ثبات ترین کشور منطقه به شمار میروند را به لرزه در آوردند. از آن پس پرده های تیره و تار از مقابل چشمان توده های کار و زحمت شروع به کنار رفتن کرد و فضای رخوت و سستی و ناامیدی ناشی سکوب سیستم تیک و عملکرد جریانات رنگارنگ سازشکار و فرصت طلب در میان جوانان، جای خود را به امید و مبارزه و شور و نشاط داد. آغازی که برغم جانفشانی های بسیار توام با حماسه های شکفت انگیز در درخیرش توده های کار و زحمت و قیام ۲۲ بهمن ۵۷ به بار نشست.

در روز تاریخی ۲۲ بهمن کارگران و توده های زحمت کش مردم که از ستم و استثمار و زور و سرکوب و غارت و چپاول طبقه حاکم و دستگاه سرکوب آن به جان آمده بودند، با قیام شکوهمند و مسلحانه خود کاخ ستمگری شاه و دارو دسته آن را درهم کوبیدند.

هر چند که قیام ۲۲ بهمن رژیم شاهنشاهی را سرنگون کرد اما به دلایلی از جمله فقدان حزب انقلابی طبقه کارگر و سطح پائین آگاهی و تشکل در میان توده های مردم به اهداف خود نرسید. توطئه امپریالیستها و طبقات ارتجاعی و دارای جامعه بهار کارگران و زحمتکشانشان را در خون غرقه کرد و به جای آزادی، برابری و رفع ستم و استثمار، ارتجاعی ترین حکومت مذهبی بر مقدرات جامعه حاکم شد.

پستی را بنگر، خباث را تماشاکن! در صفحه ۶

نکاتی در باره یکی از فرماندهان سپاه قدس: در صفحه ۷

معضل فقر و بیکاری دمار از روزگار مردم در آورده است

در صفحه ۸

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

ادامه در صفحه ۲
۱۹ و ۲۲ بهمن در تاریخ مبارزه برای
آزادی، برابر و سوسیالیسم در ایران
جایگاه رفیع و شایسته ای را بخود
اخصاص داده اند.

نزدیک به سه دهه است که کارگران، زنان، جوانان و مردم زحمتکش ایران و افراد و نیروهای انقلابی با دادن قربانیان بسیار با این رژیم و طبقه سرمایه دار پشتیبان آن که بمثابه مافیای قدرت و ثروت برمقدرات جامعه حکم میراند به مبارزه ادامه میدهند. ادامه مبارزه و مقاومت، بیداری و ارتقای سطح آگاهی و مبارزه کارگران، زنان، دانشجویان و خلقهای تحت ستم و استثمار در سالهای اخیر اینک چشم انداز نوینی را در جهت سرنگونی نظام ارتجائی حاکم کشوده است.

اکنون که ۳۷ سال از حماسه سیاهکل و ۲۹ سال از قیام شکوهمند ۲۲ بهمن سپری میشود ضمن گرامیداشت یاد و خاطره جانفشنان و شهدای این دو واقعه تاریخی بزرگ، میباید از نقاط ضعف و قوت آنها ارزیابی درست و علمی به عمل آورد و از تجربیات آنها در پیش برد مبارزه امروز درس گرفت. گرامی باد خاطره تابناک حماسه آفرینان سیاهکل در ۱۹ بهمن سال ۴۹

گرامی باد یاد دلاوریهای طبقه کارگر و زحمتکشان در قیام ۲۲ بهمن سال ۵۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
۱۹ بهمن ۱۳۸۶



سیاهکل، اثر رفیق بیژن جزنی

از صدها اعتصاب کارگری به اعتصاب کارگران شرکت واحد اشاره میکنم که که سال گذشته به خاطر طرح خواستههای شان از جمله به جرم تشکیل سندیکا مورد سرکوب قرار گرفتند زبان رهبر سندیکا آقای منصوراسانلو را بردند وی و همکاران سندیکائی اش را به زندان انداختند شکنجه کردند. محمود صالحی را به جرم برگزاری اول ماه مه دستگیر و با وجود مریضی به زندان طویل المدت محکوم کردند. بیش از ۱۱ نفر از کارگران سندجی را به همین جرم به زندان و شلاق محکوم کردند. اعتراضات مکرر سازمانها و تشکلهای کارگری در سطح بین المللی را سران رژیم به هیچ گرفتند فعالین کارگری در ایران مدام تحت پیکرد پلیس امنیتی قرار دارند.

طبق آمار بدست آمده در سرشماری اخیر: ۱۸ میلیون از جمعیت ۷۰ میلیونی ایران کارگردند. ۲/۶ میلیون نفر در کشور بیکارند. پنج میلیون ایرانی بازنشسته و یا افراد بالای ۶۰ سال اند و ۲/۵ میلیون ایرانی نیز کارمند دولت اند. ۷/۲ میلیون کارگر کشور در کارگاههای یک نفره، ۲/۸ میلیون نفر در کارگاههای دو نفره، ۲/۲ میلیون نفر در کارگاههای سه تا ۱۰ نفره، ۱/۸ میلیون نفر در کارگاههای ۱۱ تا ۲۴ نفره و شش میلیون نفر نیز در کارگاههای ۲۵ نفره به بالا کار می کنند.

با توجه به آمار ارائه شده ۹۳ درصد از کارگاههای کشور را کارگاههای زیر ۱۰ نفر تشکیل می دهند.

لازم است بدانید که دولت جمهوری اسلامی از چند سال قبل برای ایجاد پایگاه اجتماعی بین تولید کنندگان خرد و بمنظور فائق آمدن بر بحران مزمن اقتصادی تمامی کارگران کارگاه

های ده نفر کارکن و کمتر را از شمول قانون کار خارج کرد و دست کارفرما را باز گذاشت تا به هر طریق ممکن که میتوانند کارگران را استثمار کنند. بدنبال آن قرارداد های موقت را به قانون تبدیل کردند. بیش از ۷۰ درصد کارگران کارگاه های تولیدی بیش از ده نفر نیز مشمول این قانون شدند. یعنی این بخش از کارگران قراردادی نیز از بسیاری مزایای قانونی حداقلی که در نتیجه مبارزات کارگران وارد قانون کار شده بود، محروم شدند. پس در مجموع بیش از ۹۵ درصد این جمعیت عظیم کارگری در شرایط بی قانونی مطلق استثمار میشوند. کارفرماها برای گریز از دادن مزایا و برای خلاصی از اعتراضات کارگران علاوه بر اخراج کارگران

رسمی و استخدام کارگران موقت که هر یک ماه و یا دو ماه قرارداد کاری آنها تجدید میشود هنگام استخدام موقت از کارگران قرارداد سفید امضا میگردند تا خود به هرترتیب که میخواهند آنها بپرکنند و علاوه بر آن برای باصلاح محکم کاری و به زنجیر کشیدن کامل کارگران، از آنها سفته های سفید امضا هم میگیرند تا اگر چنانچه کارگری خواست اعتراض بکند آنها با مبلغ مورد نظر خود پر کرده و به اجرا بگذارند. بدین ترتیب بیش از نود درصد کارگران در بدترین شرایط بی حقوقی استثمار میشوند و همچون دوران برده داری با آنها رفتار میشود. دستمزد های ناچیز کارگران حتی کفاف اجاره یک باب منزل مسکونی فقیرانه را هم نمیدهد. اگر دستمزدهایشان هم بموقع پرداخت شود که نمیشود به ریال پول رایج ایران است در حالیکه خرید مایحتاج عمومی شان را باید به قیمت دلار پرداخت کنند.

با توجه به سطح تورم، اکنون قیمت خیلی از مایحتاج زندگی در ایران با سطح قیمت ها در اروپا همخوانی میکند. در حالیکه تعیین حقوق و دستمزد ها اساسا با تورم موجود همخوانی ندارد. بطور مثال اگر یک کارگر اروپائی با ده دقیقه کار میتواند یک کیلو مرغ خریداری کند، کارگر ایرانی برای خرید همان مرغ در ایران باید یک روز کار بکند. از این رو کارگران اغلب بعد از اتمام کارشان در کارخانه، از طریق مشاغل دیگر نظیر مسافر کشی و کار های ساختمانی و کار در خانه سعی میکنند هزینه زندگی خود

اگر بنا باشد کارگران ایران را به بخاطر خواست های برحق شان به زندان بیاوردند و به خانواده های آنها گرسنگی بدهند. پس بهتر است هیچ باری به مقصد ایران باری نشود. ما در میان جنگ، ترس و مقاومت و در مبارزه علیه جنگ سرکوب و مبارزه برای بدست آوردن آزادی به کمک و همیاری شما نیازمندیم از کمک به طبقه کارگر ایران در این روزهای حساس دریغ نوزید. این وظیفه انسانی همه مردم آزاد اندیش دنیا بوده هم طبقه ای های ما درسراسر جهان است.

را تامین بکنند. یعنی در روز مجبورند نزدیک به بیست ساعت کار کنند و حسرت بودن با زن و فرزندان را در دل نگهدارند. خیلی از کارگران از این طریق نیز قادر به تامین حداقل معیشت خود نمیشوند زود فرسوده شده و از کار میافتند. زن و فرزندان آنها اولین قربانیان این فاجعه هستند. اری کودکان کار، کودکان خیابانی، کارتن خوابها، جوانانی که برای تامین معاش خود و رفع مشکلات مالی خانواده اعضای بدن خود را به حراج میگذارند. فروش دختران کم سن و سال، افزایش سرسام آور اعتیاد، فحشا و همه نتایج تهاجم نظام سرمایه داری ایران و دولت سرکوبگر آن به حق زندگی کارگران و زحمتکشان جامعه ما است.

با این وجود دولت جمهوری اسلامی که با دست باز درآمد سرشار نفت و درآمد حاصل از تشدید استثمار کارگران را به جیب عوامل مافیائی خود سرازیر میکند و یا صرف امور نظامی و هسته ای میکند در حالیکه حاضر به پرداخت حقوق معوقه کارگران نیست. مدعی است که در آمد سرانه از حدود ۱۲۰۰ دلار در سال ۱۳۵۰ به ۳۰۰۰ دلار در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است اما نمیگوید که در همین زمان مخارج زندگی و قیمت مایحتاج عمومی چند برابر افزایش یافته است و فاصله طبقاتی چقدر عمیق تر شده است؟ در حالیکه طبق داده های آماری خودشان ۱۰ یا ۱۵ درصد مجموعه طبقه دارا بیش از ۷۰ درصد ثروت های جامعه را در چنگ گرفته است بیش از ۷۰ درصد جمعیت در زیر فقر زندگی میکنند و به گفته معاون رییس جمهور، ثروت بالاترین گروه درآمدی جامعه ۲۰۰ برابر پایین ترین گروه درآمدی است و مصرف آنها ۱۷ برابر و درآمد آنها ۳۰ تا ۷۰ برابر کم درآمدهای کشور است. البته واقعیات خیلی بیشتر از آن چیزی است که جناب معاون به آن اعتراف میکند. به گفته محسن ایزدخواه کارشناس اقتصادی طی همین مدت سرکار آمدن دولتی که خود را عدالت خواه جازد تا توده های مردم را فریب دهد؛ ۱۳ درصد به جمعیت زیر خط فقر اضافه شده است و براساس گزارش سازمان مدیریت ۱۰ درصد افراد زیر خط فقر مطلق و ۲۰ تا ۲۵ درصد زیر خط فقر نسبی هستند.

آمارها نشان میدهند که امکانات کشور کلا در اختیار قشر ناچیزی از جامعه است قشری که جز با سرکوب جنبش های اجتماعی کارگران زنان جوانان و ایجاد رعب و وحشت در جامعه و ایجاد و دامن زدن به بحرانهای خارجی نظیر آنچه که بحران هسته ای مینامیم قادر به ادامه تسلط بر اقتصاد و سیاست جامعه و ادامه حاکمیت چپاولگر و سرکوبگر خود نیست. آثار تخریبی اقتصادی و اجتماعی چنین ساختاری برای کسی پوشیده نیست. حتی اقدامات نیم بند دولت نیز برای راضی نگه داشتن طبقات پائین در دلانهای پرنفوذ این قشر چپاول گر به جیب همین قشر سرازیر میشود دولت احمدی نژاد برای جلوگیری از تنش های اجتماعی ناشی از این توزیع ثروت ناعادلانه طرحی به میان کشید که ضمن هدفمند کردن یارانه ها با اختصاص مبلغی بعنوان سهام عدالت این فاصله را قابل تحمل بکند اما از ۴۰ میلیارد دلار یارانه سالانه، قشر مافیا بیش از ۲۷ برابر اقشار پائین جامعه از آن استفاده کرد.



→ به عبارت دیگر از ۴۰ میلیارد دلار تنها ۱/۵ میلیارد دلار به دست افراد فقیر رسید.

مافیای قدرت و ثروت دست در دست هم دمار از روزگار طبقه کارگر و محرومین جامعه در آورده اند یک نمونه از صدها نمونه فساد و دزدی اینها را که ماه ها حقوق کارگران را پرداخت نمیکنند و آنرا در تجارت پرسود مواد مخدر، قاچاق کالا و غیره سرمایه گزاری میکنند در اینجا ذکر میکنم.

با افشای مسئولان یکی از بانکهای استان همدان، فردی که با پنج میلیارد تومان تسهیلات اعطایی به منظور تنظیم بازار سیب زمینی در همدان، اقدام به سپرده گذاری بلندمدت برای فرزند خود کرده بود، مشخص شد که گیرنده تسهیلات موظف بوده تسهیلات دریافتی را جهت خرید و انبار ۲۵ هزار تن سیب زمینی و تزریق به هنگام آن به بازار، صرف نماید که صرفا خرید ۲۵۰۰ تن سیب زمینی را به سازمان بازرگانی استان اعلام کرده و از اجرای کامل تعهداتش خودداری نموده است.

این گزارش می افزاید: فرد یاد شده به محض دریافت ۵ میلیارد تومان تسهیلات، معادل ۴/۲ میلیارد تومان آن را در شبکه پرداخت کننده تسهیلات، به نام فرزند خود، سپرده بلند مدت یکساله نموده و سه روز پس از آن، فرزند وی به استناد همین سپرده، تقاضای ۲۵۰ میلیون تومان تسهیلات کرده که با موافقت مسئولان بانک به وی پرداخت شده است.

این وضعیت را مسئله جهانی سازی و پیاده کردن قراردادهای بانگ جهانی و سازمان بین المللی پون یعنی پیاده کردن نئولیبرالیسم بسیار تشدید کرده و به سمت فاجعه میراند.

در نتیجه اجرای این سیاست صدها کارخانه ورشته تولیدی و رشکسته و بسته شده اند و صدها هزار کارگر این صنایع بیکار گردیده اند کارخانه ها و مراکز تولید با توجیه خصوصی سازی عملا در دست مافیای حاکم دست بدست میگردد سرمایه داران وابسته به مافیای حکومت و یا ارکانهای امنیتی و انتظامی نظیر سپاه و بسیج برای اینکه این کارخانه ها را بخرند اول کارگران آنها را اخراج میکنند و سپس با گرفتن وام های کلان بجای بازسازی کارخانه پرداخت حقوق ها و یا استخدام کارگران جدید این وام ها را در تجارت، قاچاق و ساختمان سازی و غیره بکار میگردند. نتیجه آن از پیش روشن است افزایش فقر و فلاکت بیکاری و آوارگی کارگران.

یعنی یک کشمکش و مبارزه شدید بین طبقه کارگر و اقلیتی کوچک از صاحبان قدرت و ثروت در سراسر ایران جریان دارد. کارگران که بیشترین فشار اقتصادی و اجتماعی و

سیاسی را بردوش میکشند، مجبورند بار بیشترین مبارزه را نیز متحمل شوند. ماهانه ده ها اعتصاب و اعتراض کارگری در سراسر ایران بوقوع میبندد. تقریبا کارگران ایران در چندین جبهه مجبورند مبارزه کنند. هم با تهاجم سرمایه داخلی، هم با تبعات نئولیبرالیسم، هم با تشدید استثمار و بی قانونیهای روابط برده وار کار و سرمایه و هم با ستم و سرکوب رژیم حاکم.

اما با تاسف تمام باید به اطلاع تان برسانم که کارگران ایران فاقد تشکلهای مستقل اقتصادی و سیاسی خویش اند. تمام تلاشهای آنها برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری چه بصورت اتحادیه و سندیکا و چه بصورت کمیته ها و شوراهای کارخانه با سد سرکوب و شکنجه و زندان پاسخ داده میشود. آنچه که در ایران به آنها تشکل کارگری اطلاق میشود عبارت است از شوراهای اسلامی کار که بمناب ارگانهای سرکوب رژیم در درون کارخانه ها عمل میکنند و اساسا مورد قبول کارگران نیستند. بنا به اعتراف نماینده دولت از ۶۰۰ واحد تولیدی و صنعتی خوزستان تنها در ۵۳ واحد تولیدی توانسته اند این گروه های ضدکارگری را برپا نگهدارند. با این وجود و با وجود اینکه سازمانهای بین المللی کار و غیره از این موضوع اطلاع دارند چرا این گماشتگان دولتی را بعنوان نمایندگان کارگران به حضور میپذیرند؟ پاسخگو نیستند. در حالیکه صدها بار ماهیت این آدمهایی که بعنوان نماینده کارگران در این مجامع از طرف رژیم شرکت میکنند توسط کارگران افشا شده و خود این نهاد ها هم بارها به آن اعتراف کرده اند.

رفقا، دوستان و حضار محترم! من یک سوسیالیست هستم و برای سوسیالیسم مبارزه میکنم و آزادی و دموکراسی را جدا از سوسیالیسم نمیدانم. اما در ایران ما حتی دموکراسی نیم بند هم بدون حضور قدرتمند تشکل های مستقل کارگری امکان پیاده شدن ندارد. سرنوشت آزادی دموکراسی و برابری و یا تداوم استبداد و بی حقوقی، اینها به نتیجه مبارزه ای بستگی دارد که طبقه کارگر ایران درگیر آن است. در کشور ما اصلاحات از درون و امید به رفرم در چهارچوب نظام حاکم شدنی نیست و این را تجربه تاریخی و تجربه ۸ ساله حاکمیت «اصلاح طلب» ها نشان داد برای رسیدن به آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران باید رژیم حاکم و دارودسته مافیائی آنرا که براقصده سیاست چنگ انداخته اند، بزیر افکند. تا مردم بتوانند سرنوشت خود را خویشتن تعیین کنند. این کار نه از طریق دخالت خارجی و تجاوزات امپریالیستی بلکه از طریق جنبشهای اجتماعی طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه میتواند صورت گیرد.

آقایان و بانوان! همانطور که اشاره کردم این مبارزه نابرابر در شرایطی صورت میگردد که کارگران ایران از حق تشکل، حزب، آزادی بیان و اعتصاب و تجمع برخوردار نیستند. به کمک هم طبقه های خود در سراسر جهان نیازمندند. سازمانهای کارگری نظیر آی /تی /یو/سی کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری و سازمان بین المللی کار، جز در حرف و از طریق ارسال نامه های اعتراضی به مقامات رژیم، نتوانستند و یا نخواهند پشتیبانی عملی از کارگران اعتصابی و کارگران زندانی بعمل بیاورند. ما از همه شما بویژه توده کارگران میخواهیم به وضعیت مبارزه نابرابر طبقه کارگر ایران بنگرید. به روزهای حساسی که در آینده حتما پیش خواهد آمد فکر کنند و به پشتیبانی عملی از هم طبقه ای های خود در ایران برخیزید. بویژه مورد خطاب به کارگرانی است که در مناطق حساسی نظیر باراندازها و فرودگاه ها و مشابه اینها کار میکنند. اگر بنا باشد کارگران ایران را به بخاطر خواست های برحق شان به زندان باندازند و به خانواده های آنها گرسنگی بدهند. پس بهتر است هیچ باری به مقصد ایران بارگیری نشود. ما در میان جنگ، ترس و مقاومت و در مبارزه علیه جنگ سرکوب و مبارزه برای بدست آوردن آزادی به کمک و همیاری شما نیازمندیم از کمک به طبقه کارگر ایران در این روزهای حساس دریغ نورزید. این وظیفه انسانی همه مردم آزاد اندیش دنیا بویژه هم طبقه ای های ما در سراسر جهان است.

بخشی از سخنرانی و گزارش

رفیق یدی از کنفرانس مشترک با حزب چپ آلمان که در جلسه عمومی فعالین جنبش ارائه شده بود

همانطور که محضر هستید و در سایت های خبری هم اعلام شده بود هفته گذشته کنفرانس مشترک حزب چپ آلمان و سازمان اتحاد فدائیان کمونیست برگزار شد.

هدف از ما از شرکت در این کنفرانس

اول: با توجه به تغییر و تحولاتی که در سالهای اخیر در سطح جهان و در منطقه خاورمیانه و ایران بوجود آمده است و نظر باینکه این تحولات در سطح جهان بویژه کشورهای معظم سرمایه داری و امپریالیستی به ظهور جنبش های اجتماعی نسبتا رادیکال انجامیده است. نظیر جنبش های ضد سرمایه داری و ضد

جنگ و غیره و نیز چرخشهایی که ←

در جنبشهای اجتماعی ایران به سمت چپ و سوسیالیسم پدیدار شده است و نظر به تأثیر این تحولات در بدنه احزاب و جریانات چپ بویژه در اروپا و... این زمینه بوجود آمده است که جنبش کمونیستی و رادیکال ایران بتواند وضعیت ایران، مسئله احتمال جنگ و سیاست های امپریالیستی در منطقه و ایران و ماهیت جمهوری اسلامی، و وضعیت جنبشهای اجتماعی بویژه جنبش کارگری را از یک دیدگاه سوسیالیستی و انقلابی و طبقاتی با آنها در میان بگذارد. تبلیغات جریانات راست و ارتجاعی را خشتی کند. و بویژه توده های تشکیلاتی این احزاب را با واقعیت های ایران، اهداف امپریالیستی و همینطور وضعیت جنبش های اجتماعی ایران آگاه سازد و علاوه بر اینها و در تداوم این تلاشها سایر جنبشهای اجتماعی رادیکال را هم مد نظر قرار بدهد جایگاه قابل اتکائی در جریانات چپ انقلابی و حرکت های ضد سرمایه داری، ضد امپریالیستی و ضد جنگ امپریالیستی پیدا کند و در روزهای حساسی که از سر میگذرانیم و روزهای حساس تری که در پیش رو هست متحدین مشخص تری در سطح جهان وجود داشته باشد. البته این اهداف روشن است که با یک دو کنفرانس و غیره حل نمیکردد. ما هم اکنون و تا حدودی ارتباط نزدیکتری با احزاب و سازمانهای کشورهای آمریکای لاتین و غیره بوجود آورده ایم اما لازم است با ارتقای سطح اطلاعات و آگاهی طرفین از اهداف همدیگر این ارتباطات به یک رابطه انقلابی و مدیریت شده تبدیل شوند و ضروری است که گامهای مشخص تری برای ارتباطات و همکاری متقابل با احزاب و جریانات کشور های منطقه در دستور کار قرارگیرد.

بدون تردید همه ما فعالین جنبش کمونیستی ایران از احزاب چپ اروپائی کم و بیش شناخت داریم و میدانیم که همه اینها احزاب پارلمانی هستند و یا برای فرستادن نماینده به پارلمان تلاش میکنند و یا تشکلهای کارگری که عمدتاً زرد و ضد کارگری هستند که ما و من شخصا بشدت با آنها مخالفم و عملکرد آنها را از نزدیک مشاهده کرده ام. اما از این اتحادیه های زرد که بگذریم احزاب و سازمانهای سیاسی تحت تأثیر مبارزه طبقاتی مدام در حال تحول هستند بدنه احزاب چپ در این کشورها عمدتاً طبقه کارگر و اقشار پائین جامعه هستند. اینها با داشتن اطلاعات دقیقتر و تحلیل علمی و انقلابی از وضعیت جامعه ما و روند های آن میتوانند تلاشهای انترناسیونالیستی خود را بر مبنائی طبقاتی استوار سازند کمک و حمایت شان از جنبش کارگری را به اقدامات حمایتی لفظی محدود نساخته و به حمایت های عملی ارتقا دهند و در تغییر دیدگاه های رهبری شان

در مسائل حساسی مثل جنگ، ماهیت جمهوری اسلامی تغییر ناپذیری و اصلاح ناپذیری آن و لزوم سرنگونی آن امکانات و اطلاعات درستی داشته باشند و در کمک و یاری به آن جنبشهایی که هم در این جهت یعنی در جهت سرنگونی ارتجاع حاکم مبارزه میکنند و با امپریالیسم و سرمایه داری بطور ریشه ای مبارزه میکنند و هم جنبش سوسیالیستی را پی میگیرند. کوتاهی نکنند و شک و تردید به خود راه ندهند و در این باره مواضع روشنی داشته باشند.

کما اینکه در جریان برگزاری این کنفرانس طبق اسنادی که مشترکاً منتشر شده و در این کنفرانس هم درباره اش اتخاذ موضع شد. موضوع مهم راجع به این بود که در قبال تحولات منطقه احتمال حمله نظامی آمریکا، جمهوری اسلامی چه موضعی باید داشت؟ که در این زمینه هر دو طرف متفق القول بودند که میباید هم بر ضد امپریالیسم آمریکا مبارزه کرد و هم بر ضد جمهوری اسلامی و در عین حال از جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی ایران دفاع کرد. رسیدن به اشتراک نظر در این باره از اهمیت شایانی برخوردار است. بویژه تأکید بر اینکه باید کمک کرد تا طبقه کارگر ایران و مردم زحمتکش با مبارزه انقلابی خود رژیم را سرنگون کنند، نشان از تغییراتی در سیاست و دیدگاه های این حزب محسوب میشود.

در همین راستا سازمان ما با تهیه فیلم، اسلاید و عکسهای رنگی از سرکوبهای رژیم و جنگ و جنایات آن از سالهای اولیه قیام مرحله به مرحله نا مقطع فعلی و ایجاد نمایشگاه در محل و تهیه پلاکاردهائی در محکومیت امپریالیسم و لزوم سرنگونی جمهوری اسلامی بدست توده های کارگر و زحمتکش مردم، کوشش کرد تا علاوه بر سخنرانیها بطور مصور نیز شرکت کنندگان را با واقعیات جامعه و جمهوری اسلامی آشنا کند.

اینکه این کنفرانس چقدر موفقیت آمیز بود و آیا توانست انتظارات ما را برآورده سازد؟ میتوانم بگویم که ما انتظار زیادی از آن نداشتیم و دارای اشکالات و کمبودهائی بود که ما در جایگاه خود به جمع بندی این کم بود ها و انتقاداتی که به طرف مقابل و یا خودمان وارد است خواهیم پرداخت.

اما آنچه که حائز اهمیت است و در این جلسه میخواهیم با شما در میان بگذاریم. بعنوان بحث محوری به اطلاع فعالین جنبش برسائیم. مسئله تأکید نمایندگان این حزب به حتمی بودن حمله نظامی آمریکا به ایران است.

*اینکه کشمکش جمهوری اسلامی با آمریکا به حمله نظامی منتهی میشود یانه؟ بحثی است که از سالها قبل یعنی بعد از حمله آمریکا به عراق مطرح بوده است. در یک سال اخیر این بحث

حاد تر شده است بارها تحلیل ها و اخباری منتشر میشد که حتی زمان حمله را هم تعیین میکردند. این بار نیز همانطور که مطلع هستید احتمال حمله نظامی آمریکا در راس اخبار و احادیث رسانه های گروهی قرار گرفته است. اما تأکید آلمانیها و بویژه نماینده آنها در پالمان اروپا به حتمی بودن حمله نظامی از این نظر که غیر از تحلیل این مسئله به اخبار و اطلاعات و مباحث درونی اتحادیه اروپا و جلساتی که اینها با همدیگر و با سولانانمایند سیاست خارجی اروپا داشتند، متکی بود هائز اهمیت فراوان است.

آنها صراحتاً اعلام کردند که: با توجه به همه داده ها و اطلاعاتی که داریم، مسئله آمریکا همچنانکه در حمله نظامی به عراق شاهدش بودیم نه فعالیت های هسته ای آن بلکه لزوم تغییر در ساختار قدرت در ایران در راستای استراتژی بلند مدت آمریکا در منطقه است که این تغییرات ساختاری قدرت در ایران را با وجود رژیم فعلی امکان پذیر نمیدانند و به این نتیجه رسیده اند که تنها راه باقیمانده حمله نظامی به این کشور است. مگر اتفاقات غیر منتظره ای در این رابطه در آینده رخ بدهد.

من به جوانب دیگر تحلیل اینها که در کنفرانس در اثبات نظرات شان بیان داشتند، نمیپردازم. البته اخبار و نظرات متعددی که طی چند روز اخیر سر تیتور رسانه های جمعی در سراسر دنیا را بخود اختصاص داده است تا حدودی مبین درستی نظر اینها هست.

اما من از زاویه دیگری به مسئله میپردازم که فکر میکنم لازم است بدقت مورد بررسی و ارزیابی نیروهای انقلابی ایران قرار گیرد. بنظر من چند فاکتور در این مسئله که تغییرات در ساختار قدرت در ایران اجتناب ناپذیر است، عمل میکنند. حالا چه با دخالت امپریالیسم و چه بوسیله رشد و ارتقای جنبش های اجتماعی در ایران بنظر میرسد که این تغییرات اجتناب ناپذیر است.

اولی که پایه ای تر و اساسی تر هم هست مسئله تحولات نظام سرمایه داری در جهان است که بویژه بعد از فروپاشی اروپای شرقی، تحت عناوینی نظیر جهانی سازی، نئولیبرالیسم و بازار آزاد و غیره تعریف میشود. به عبارت دیگر میتوان گفت که در همین دوران امپریالیسم سرمایه داری وارد فازی شده است که گسترش آن بدون تغییرات ساختاری در کشورهائی که در فازهای قبلی سرمایه داری بصورت متمرکز توسط گروه های دولتی دست نشانده و یا مورد حمایت همه جانبه امپریالیسم و استعمار اداره میشدند، امکان پذیر نیست. یعنی تمکین به سیاست های بازار جهانی سرمایه و قوانین و مقررات نئولیبرالیسم مستلزم تغییر ساختاری در اقتصاد کلان و سیاست این

۲- در عین حال در کشورهایی نظیر ایران دستگاه های دولتی عمدتاً با دردست گرفتن اشریانهای اقتصادی کشور همچون مافیای عظیم صاحب قدرت و ثروت عمل کرده اند که از هم پاشی این شیرازه در نتیجه تحولات ساختاری که از بیرون و درون فشار وارد میاورند به از هم پاشی این دولتها سرعت میبخشند. از این رو در مقابل این تحولات بناگزیبر برای حفظ منافع اقتصادی و موقعیت سیاسی خود دست به مقاومت میزنند و یا اینکه میخواهند به شیوه خود با این تحولات کنار بیایند. بویژه اینکه این گروه های مقتدر دولتی در جریان بقدرت رسیدن و برای حفظ امتیازات خودشان جنایت های بیشتر مرتکب شده اند که از هر نوع گشایش و تغییر حتی در حد ایجاد تشکل ها و سامانه های مورد نیاز سرمایه سرباز میزنند.

۳- سوم فاصله عظیم طبقاتی است. همزمان سرکوب سیستماتیک جنبش های اجتماعی و خواست ها و مطالبات تلنبار شده طبقه کارگر و توده های مردم و بعلاوه فشار اقتصادی و اجتماعی طاقت فرسا است که دست زدن به رفهمانی در جهت خواست سرمایه جهانی، به اوج شدت و حدت این جنبشها افزوده و مدام آنها را به سمت رادیکال شدن و اجتماعی شدن سوق میدهد.

این امر نگرانی بزرگ سرمایه جهانی بویژه امپریالیسم آمریکا را موجب شده است که رشد جنبشهای اجتماعی افسار تحولات را از دست آنها بگیرد آنها بدلیل پتانسیل عظیم این جنبشها در ایران که میتواند تمام معادلات سرمایه جهانی را در منطقه بهم بزند بیشتر میترسند و حاضرند بدتر از جمهوری اسلامی را برسرکار نگهدارند تا این جنبشها امکان عروج پیدا نکنند. اما در عین حال سردمداران سرمایه جهانی بویژه امپریالیسم آمریکا که داعیه رهبری جهان و تسلط کامل بر منطقه را دارد اینرا خوب دریافته اند که مردم نه این رژیم و نه ساختار فعلی را نمیخواهند و دیر و یا زود تومار آن را در هم خواهند پیچید. پس ضرورت دارد قبل از اوج گیری چنین تحولی با دخالت نظامی خویش همه چیز را بهم زنند. آنها در واقع با جنبش کارگری و جنبش های رو به رشد اجتماعی دیگر در جنگند تا جمهوری اسلامی.

۵- علاوه بر اینها تضاد و تناقض و رقابت امپریالیستها در منطقه و هدف تسلط امپریالیسم آمریکا به شریانهای اقتصادی و نیروی کار ارزان و بازارهای این منطقه است که همه این فاکتورها را هم باید در نظر گرفت که این امر موجب میشود تا امپریالیسم آمریکا برای رسیدن به اهداف خود اقدامات پیشگیرانه خودشان را به مرحله اجرا بگذارند. لذا است که براساس این فاکتورها که بطور خلاصه ذکر

کردم احتمال قریب به یقین حمله نظامی آمریکا را نباید از ذهن دورداشت. اگر بر این موارد این این واقعیت را اضافه کنیم که ایران بعنوان کشوری چند ملیتی چند قومی و مذهبی که هنوز فاقد تشکلهای پایدار سیاسی و اقتصادی توده ای تاثیرگذار است و در طی این صد سال گذشته تنها برپایه سرکوب شدید و بوسيله حکومت های متمرکز سرپا مانده است، حمله نظامی میتواند به از هم پاشی شیرازه آن منجر شود.

خلاصه کلام اینکه یک چنین مباحثی در کنفرانس مشترک هم مطرح شدند آنچه مسلم است با بررسی و تجزیه و تحلیل تحولات سالهای اخیر و آنچه که مختصراً در بالا به آن اشاره کردم میتوانیم با مد نظر قراردادادن وضعیت بسیار حساس منطقه، ایران و وضعیت جنبشهای اجتماعی در تحولات آینده، هم به ضرورت تلاش تبلیغی ترویجی و سازماندهی انقلابی برای مقابله با امپریالیسم و رژیم ارتجاعی حاکم پی ببریم و در این جهت همه نیروهای خود را متحد کنیم و هم عمیقاً درک بکنیم که در صورت عدم آمادگی نیروهای سیاسی و انقلابی و در صورت عدم ارتقای سطح آگاهی طبقه کارگر و توده های مردم و متحد و متشکل شدن آنها چه وضعیتی در کشور بوجود خواهد آمد. من با رئوس این تحلیل خطابم به مهمانان کنفرانس بویژه المانیها این بود که در ایران ما اسلام بعنوان الترناتیو دوران خود را سپری کرده است اکنون سوسیالیسم تنها الترناتیو میتواند باشد سعی کنید ضمن سازماندهی مبارزات ضد جنگ و ضد جمهوری اسلامی به این جنبش که تنها راه جارو کردن جمهوری اسلامی در ایران و جنبش های ارتجاعی اسلامی و دینی در منطقه است یاری رسانید.

پستی را بنگر، خبثت را تماشاکن!

در خبرها آمده است که «هیات عمومی دیوان عالی کشور با تشکیل جلسه ای، مهدورالدم بودن مقتولان قتل های محفلی کرمان را رد کرد»

تیر خبر مبهم است. خبر نگار یا خیر را سانسور کرده است تا به قبای عاملین و امرین قتلها برنخورد و یا چنین فرض کرده است که خواننده خبر، تمام ماجرای قتل های محفلی کرمان را میداند. چرا که در متن خبر هم توضیح نمیدهد که ماجرای این قتل ها چیست. تا خواننده به عمق ارتجاعی و ضد مردمی بودن دستگاه قضائی جمهوری اسلامی و نیز قدرت و نفوذ باند های مافیائی درون حکومت در تعیین سرنوشت پرونده های قضائی پی نبرد.

ماجرای قتل های زنجیره ای کرمان از این قرار بوده است که گروهی از عوامل رژیم مامور خدمت در ارگانهای سرکوب بنا بر تشخیص خود و براساس فتاوی مراجع و دستورات دینی به هنگام گشت در شهر، هر دختر و پسر و زوجی را که برطبق سلیقه آنها لباس نمیپوشید و رفتار نمیکرد. دستگیر نموده و بعد از بازجویی و آزار و اذیت میبردند در مناطق متروکه و بیابانهای اطراف شهر و اعدام شان میکردند. در طی این عملیات وحشیانه چندین زوج و دختر و پسر بدست این عوامل وابسه به رژیم به قتل رسیدند. اما بعد از افشا شدن ماجرا و شکایت بستگان مقتولین این عناصر پست عضوارگانهای سرکوب ادعا کردند که: این قتلها را براساس فتاوی مراجع تقلید و دستورات قران انجام داده اند و ادعا کردند که مقتولین از نظر آنها مهدورالدم بودند بنا بر این کار آنها غیر قانونی نبوده است!! ابتدا غیر قابل باور بود که دستگاه قضائی رژیم علیرغم ماهیت بغایت ارجاعی خود چنین ادعای مسغره ای را ملاک قضاوت خود قرار دهند و بدتر از آن جنایتکاران را بعد از اعتراف صریح شان به جرم مرتکبه آزاد بگذارند. اما بقول معروف چاقو دسته خودش را نمیبرد، و این دستگاه با بی شرمی تمام نه تنها جلوی پخش مفصل این خبر را گرفت و نه تنها از دستگیری متهمین بمدت طولانی خود داری کرد و هم اکنون نیز یکی از آنها بنا بر ادعای وکیل خانواده مقتولین آزاد است بلکه طبق گزارش زیر هم قضات و هم در نوبت بعدب دیوان عالی کشور با تایید ادعاهای قاتلین منب بر مهدورالدم بودن مقتولین رای به عدم بیگناهی جانبان صادر میکند. بنا به گفته وکیل و بعد از تلاش خانواده ها بالاخره پرونده به هیئت عمومی دیوان عالی ارجاع و درانجا مهدورالدم بودن مقتولین تایید میشود. اینکه هنوز مجازاتی درانتظار قاتلین هست و دستور بازداشت قاتلی که بعد از ارتکاب قتل راست راست راه میروند و به ریش جامعه میخندند، صادر شده است یانه؟ برکسی معلوم مشخص نیست. اما آنچه که روشن است این است که روند بررسی این پرونده چراغ سبزی است به جنایتکارانی که توست رژیم برای سرکوب و ایجاد رعب و وحشت در جامعه در ارگانهای رنکارنگ وابسته به دولت ومافیای قدرت و ثروت سازماندهی شده اند. به طریق ساده روند بررسی این پرونده با صراحت اعلام میکند که هرکس را مهدورالدم تشخیص دادید بکشید و هیچ مجازاتی در انتظار تان نخواهد بود. چنین است ماهیت جنایتکارانی که امروز سرنوشت میلیونها مردم را دردست گرفته اند. چنین نظام ارتجاعی سرکوبگر و ستمگری را جز از طریق سرنگونی قهر آمیز و ←

→ داغان کردم ماشین دولتی سرکوبگر آن نمیشود با رفرم واصلاحات کذائی به راه آورد. اینک مصاحبه وکیل خانواده مقتولین. هرچند که وکیل محترم تلاش کرده است چیزی نگوید که فردا جسدش طعمه گرگان بیابانی شود اما همیتقدر هم که گفته است خود افشاگر خیلی از ماجراهاست.

نعمت احمدی، وکیل برخی از اولیای دم مقتولان پرونده قتل‌های محفلی با بیان این خبر به خبرنگار حقوقی ایسنا گفت: جلسه هیات عمومی دیوان عالی کشور ۲۳ بهمن تشکیل شد و با تکیه بر محتویات پرونده، سرانجام به استنادات وکلای پرونده، غلامعلی ریاحی و من نظر دادند.

وی افزود: علی‌رغم اصرار شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور مبنی بر این‌که مقتولان قتل‌های محفلی کرمان مهدورالدم بوده‌اند، هیات عمومی دیوان عالی کشور با حضور دادستان کل کشور تشکیل شد و به اتفاق آراء، موضوع مهدورالدم بودن قتل‌های محفلی را نپذیرفتند و پرونده به شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور اعاده شد تا با توجه به این‌که اعتقاد قاتلان به مهدورالدم بودن مقتولان و جاهت شرعی و قانونی ندارد، نسبت به صدور حکم افرادی که در این قتل‌ها شرکت داشته‌اند، اقدام کنند.

وکیل مدافع اولیای دم پرونده‌های قتل‌های محفلی کرمان اضافه کرد: در طول رسیدگی به پرونده که مدت طولانی به طول انجامید، ۳ نفر از خانواده‌ی مقتولان اعلام گذشت کردند و خانواده‌ی ۲ نفر مرحوم شهره نیک‌پور و غلامرضا ملایری‌نژاد که اعلام گذشت نکرده بودند، خواهان قصاص افرادی هستند که این زوج جوان را کشته بودند.

احمدی اظهار کرد: هم‌اکنون دیوان عالی کشور باید با توجه به مشارکت افرادی که در قتل این دو نفر شرکت داشته‌اند و رضایتی که اولیای دم نسبت به قاتلان ابراز نکردند و این‌که هیات عمومی دیوان، رسیدگی به پرونده را به لحاظ عدم اعتقاد به مهدورالدم بودن قاتلان، در صلاحیت شعبه ۳۱ دانسته، نه تنها احکام زندان باید نسبت به افرادی که حکم زندان آنها صادر شده - اما برخی اولیای دم مقتولان اعلام گذشت کرده‌اند - و قاتلانی که هم‌اکنون آزاد هستند، اجرا شود بلکه باید به نسبت مشارکت بقیه‌ی افراد، حکم جدید صادر شود.

این وکیل دادگستری خاطر نشان کرد: من به همراه غلامعلی ریاحی، وکلای شهره نیک‌پور و غلامرضا ملایری از دادستان کل کشور و هیات عمومی دیوان عالی کشور که به دور از مسایل پیرامونی این پرونده، حقیقت را در نظر گرفته‌اند و بدعتی ناصواب در نظام قضایی از

خود به یادگار نگذاشتند، تشکر می‌کنیم. طبیعتاً مردم کرمان نیز که از رای سابق آسیب روحی دیده بودند همین عقیده و نظر را دارند.

به گزارش ایسنا، شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور پیش از این در رای خود، اعتقاد به مهدورالدم بودن مقتولان داشت که با نظر هیات عمومی دیوان عالی کشور این رای نقض شد.

نکاتی در باره یکی از فرماندهان سپاه قدس:

چگونه افراد انجمن ضد بهائی از مقربین خامنه‌ای شدند.

اخیراً نام یکی از فرماندهان سپاه قدس در رسانه‌ها مطرح شد. علت این امر این است که نام این فرد جزء کسانی بود که به عنوان تروریست معرفی شده و مورد تحریم موسسات امریکای قرار گرفت. اما این چهره مرموز سپاه کیست؟

احمد فروزنده در دهه ۶۰ و ۵۰ خورشیدی ساکن خرمشهر بود و برادر محمد فروزنده وزیر دفاع سابق، رئیس اسبق بنیاد مستضعفین و عضو مجمع تشیخ‌نظام می‌باشد. او در دهه ۵۰ خورشیدی با افرادی همچون یونس محمدی (نماینده دوره اول تا چهارم خرمشهر در مجلس)، فؤاد کریمی (نماینده ادوار گذشته از اهواز و معاون وزیر تعاون فعلی) در کادر انجمن ضد بهائی خرمشهر که کتاب خانه‌ای در مسجد امام صادق خرمشهر (در خیابان چهل متری) فعال بود. از دیگر همکاران او محمد تقی مومجد (عضو وزارت اطلاعات و سپاه، شوهر خواهر سیف الله داد- معاون سینمایی وزیر ارشاد خاتمی) می‌باشد. احمد فروزنده در اواسط دهه ۵۰ برای ادامه تحصیل به دانشسرای عالی تربیت معلم اهواز رفت. چون خط مشی انجمن ضد بهائی در آن زمان این بود که افراد خود را در پوشش معلم در مدارس فعال کند. بنابراین عجیب نیست اگر اکثر افرادی که یاد شد یعنی محمد و احمد فروزنده، فواد کریمی، یونس محمدی، جامه دار پور، باقر مومجد، کاظم نعمت زاده (که همه از فعالین ضد بهائی بودند) برای تحصیل در دانشسرای عالی تربیت برونند. در آنجا بود که ساواک رژیم که به خاطر فعالیت‌های مجاهدین

خلق حساس شده بود، این افراد را که با مجاهدین خلق مخالف هم بودند دستگیر نمود.

احمد فروزنده در سال ۵۸ به عضویت سپاه و بخش اطلاعات آن درآمد. در دوره جنگ به اهواز منتقل و سپس با توجه به رابطه نزدیک برادرش و خامنه‌ای در نردبان سازمانی سپاه بالا رفت. احمد فروزنده، در دهه ۶۰، در شکل‌گیری سپاه پاسداران خرمشهر و اهواز، دستگاه‌های امنیتی و کنترل زندانهای سیاسی نقش اساسی داشت.

او در جریان شورش خلق عرب خوزستان با هم کاری مسئولین استانداری وقت خوزستان در سرکوب و کشتار اعراب خوزستان و هم در دادگاه‌های فرمایشی نظامی چند دقیقه‌ای که در دبیرستان بازرگانی خرمشهر بر پا میشد نیز مشارکت داشت. هم چنان که آمد نزدیکی برادر مسن تر احمد فروزنده، محمد فروزنده، به سران حاکمیت موجب بالارفتن او در هرم سیاسی و امنیتی رژیم شد. محمد فروزنده، در زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی در پست وزارت دفاع قرار گرفت وی بی تردید دارای اطلاعات زیادی از همکاری روسیه و رژیم در مورد دانش هسته‌ای است. او بعداً از سوی خامنه‌ای به عنوان رئیس بنیاد مستضعفان یعنی بزرگترین نهاد اقتصادی منصوب شد. بنیاد مستضعفان همان نهادی است که مسئول تامین مالی تروریسم و تبلیغ خامنه‌ای در جهان است. برادر جوانتر احمد، مسعود فروزنده، که در دوره پیش از انقلاب از مسئولین بخش هنری حزب رستاخیز شاخه خوزستان بود. مسعود فروزنده در دوره بعد از انقلاب به عنوان رئیس سپاه پاسداران شادگان منصوب شد. مسعود فروزنده در دوره خاتمی در پوشش خبرنگار به روسیه فرستاده شد. دیگر برادران احمد فروزنده یعنی فرزند و فرزند نیز در بخش‌های گوناگون سپاه یا اطلاعات رژیم مشغول بکار هستند و در تحت عنوان‌های گوناگون در خارج در رفت و آمد هستند. بدین ترتیب میتوان نتیجه‌گیری نمود که اکثریت انجمن ضد بهائی خوزستان در خدمت نهادهای سرکوب و امنیتی خامنه‌ای قرار گرفته‌اند.

معضل فقر و بیکاری دمار از روزگار مردم در آورده است

درباره گسترش فقر و بیکاری و تبعات بیشمار ناشی از آن هر روز گفته و نوشته میشود. این درست است که گرانی، بیکاری، بی مسکنی و فقر و نداری جزئی از اجزاء و تبعات نظام سرمایه داری محسوب میشوند. اما درجه این نکبت نظام سرمایه داری در جامعه ما و تحت نظام اسلامی بقدری خشن و غیر متعارف و ضد انسانی است که در کمتر کشوری میتوان نظیر اش را سراغ گرفت. استعمار بی حد و حشر کارگران، عدم پرداخت حقوق و دستمزد ها، اجرای قراردادهای موقت، گرفتن سفته سفید امضا و قراردادهای سفید امضا که همچون شمشیری بران بر بالای سر کارگران آویزان کرده اند تا هرگاه کارگری زبان به شکوه و شکایت گشود فوراً آن اسناد امضا شده توسط کارگران را به میل و اراده خود پر کرده و به اجرا بگذارند. در این صورت کارگران نه تنها شغل خود را از دست میدهند بلکه آنها را دردناک‌ها می‌فرماید محکوم و روانه زندان میکنند. قابل نامل است که حقوق و دستمزی هم که به کارگران شاغل تعلق میگیرد به گفته خود سردمداران و کارشناسان مسائل اقتصادی ۵۷ درصد با خط فقر تعیین شده فاصله دارد یعنی اگر به حقوق و دستمزد آنها ۵۷ درصد اضافه شود در خط فقر قرار میگیرند. این وضعیت کارگران شاغل است. کارگران بیکار و انبوه زحمتکاش و کارگران فصلی دیگر جای خود دارد. گاه آتش انفجار شور است که سر و صدای آشپزها و شاگرد آشپزها را هم در میآورد.

در همین رابطه سعید مدنی کارشناس باصطلاح رفاه اجتماعی میگوید « نزدیک به ۳۰ درصد جمعیت ایران زیر فقر مطلق زندگی میکنند وی اضافه میکند که «... تعداد فقرا در حال افزایش است و دستگاه‌های حمایتی نتوانسته‌اند، مشکل فقر جمعیت زیر پوشش خود را رفع کنند. این امر ناشی از سیاست‌های سنتی و ناکارآمدی است که برای هزینه کردن بودجه عمومی به کار گرفته می‌شود میباید».

به گفته مدنی، "هرساله بخش قابل توجهی از بودجه کشور صرف یارانه‌ها می‌شود، در حالی که ... یارانه‌ها کاملاً به دست فقرا نمی‌رسد بلکه به دست کسانی می‌رسد که اساساً نیازی به این یارانه‌ها ندارند.

مدنی در ادامه به ناکارایی وزارت رفاه انتقاد می‌کند و می‌گوید: «وزارت رفاه مکلف به مشارکت در تعیین خط فقر، جهت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری است. اما وزیر رفاه بارها تاکید و اصرار کرده که تمایلی به اعلام خط

فقر ندارد».

بر اساس آمارهای رسمی، ۹ تا ۰۱ میلیون ایرانی زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند. اینها کسانی هستند که نمی‌توانند نیازهای اولیه خود مانند خوراک، پوشاک، آموزش و مسکن را تامین کنند. به گفته سعید مدنی، این آمارها درست نیست و آمار کارشناسان نشان می‌دهد که ۰۲ تا ۵۲ میلیون ایرانی زیر خط فقر مطلق به سر می‌برند؛ یعنی ۵۲ تا ۰۳ درصد جمعیت ایران.

مدنی معتقد است که آمار دولتی در زمینهی "فقر شدید" نیز نادرست است. در آمار رسمی ذکر شده که بین ۱ / ۵ تا ۲ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر شدید زندگی می‌کنند؛ اینها افرادی هستند که درآمد کافی برای تامین روزانه ۲ هزار کیلو کالری مورد تایید وزارت رفاه و تامین اجتماعی را نیز ندارند. به گفته مدنی، کارشناسان معتقدند که تعداد این افراد بیشتر است و بر اساس برخی محاسبات، "حداقل ۹ درصد از جمعیت کشور زیر خط فقر شدید به سر می‌برند".

این در حالی است که عضو کمیته مزد کشور میزان خط فقر را در سراسر کشور ۰۵۵ الی ۰۰۶ هزار تومان اعلام کرده و اظهار داشته است که: میزان فاصله مزدی کارگران با خط فقر کنونی در جامعه فعلی ۵۷ درصد برآورد شد. در عین حال بنابر اظهارات همین مسئول در حالی حقوق بخشی از مزدبگیران کشور ۰۱ درصد اضافه شده است که طبق برآورد رسمی بانگ مرکزی نرخ تورم امسال بیش از ۷۱ درصد بوده است و بدون شک آمارهای واقعی نرخ تورم را بسیار بیشتر از نرخ رسمی اعلام شده توسط بانگ مرکزی میدانند.

در این رابطه مشکل مسکن خود یکی از عوامل بسیار مهمی است که بخش مهم و حتی همه درآمد سالانه کارگران را می‌بلعد. با افزایش قیمت زمین و مسکن اجاره خانه‌ها هم بالا و بالاتر می‌روند با افزایش نزدیک به صد درصدی هزینه مسکن نه تنها بیش از یک سوم جمعیت کشور فاقد مسکن بلکه انهایی هم که سرپناهی برای خود فراهم کرده‌اند به زیر خط فقر مطلق رانده میشوند. چنین است وضعیت اسف بار انبوه جمعیت میلیونی کار و زحمت که بشدت استثمار میشوند اما هیچ بهره‌ای از حاصل دسترنج خود نمی‌برند و تنها راه چاره آنها متحد شدن و متشکل شدن و مقابله با نظامی است که جز زور و سرکوب و تشدید ستم و استثمار حاصلی بیار نیآورده و نخواهد آورد.

کار کمونیستی

زیر نظر شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
منتشر میشود.

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست
+۹۶۱ ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

سایت سازمان در اینترنت

www.fedayi.org

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

شورای مرکزی

centralconcil@fedayi.org

نشریه کار کمونیستی

kar@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org